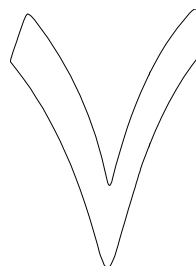


مفصلتار

جنگ‌افزارهای کشتار جمعی
و کنترل تسلیحات
در خاورمیانه

دکتر سعیده لطفیان*



* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۸، صص ۲۲۶-۱۸۹.

دستیابی احتمالی بازیگران کشوری و غیر کشوری در خاورمیانه به جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، به ویژه سلاح‌های هسته‌ای در دو دهه اخیر به یکی از مهمترین مسائل مهم امنیتی جهان تبدیل شده است. نگرانی دولت بوش این بوده است که یکی از کشورهای خاورمیانه به رقابت با اسرائیل اتمی پرداخته و مضمم شوند تا با کسب توانایی هسته‌ای به انحصار قدرت اتمی این دولت یهودی پایان داده و توازن قوای منطقه خاورمیانه را به نفع خود برهم زنند. رهبران سیاسی چنین کشوری در صورت دستیابی به قدرت اتمی بیشتر احتمال دارد که موانعی بر سر راه سیاست‌های مداخله‌گرایانه قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه ایجاد کنند. هدف اصلی این پژوهش مطالعه انگیزه‌های برنامه سلاح‌های کشتار جمعی (با تاکید بر تسلیحات اتمی) و بررسی راه‌های مقابله با گسترش اینگونه جنگ‌افزارها در خاورمیانه است. تاریخ مداخله قدرت‌های بزرگ نشانگر این واقعیت بوده است که انتقال ساز و برگ‌ها و فن‌آوری نظامی حتی برای تولید تسلیحات کشتار جمعی بخش لاینفک سیاست خارجی دولت‌های مداخله‌گر را تشکیل داده، و با تشویق مسابقات تسلیحاتی به ناامنی منطقه انجامیده است. نیاز مبرمی به بازبینی اساسی اهداف و ابزار سیاست خارجی آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ در قبال این منطقه استراتژیک وجود دارد؛ زیرا مسابقات تسلیحاتی موانعی بزرگ برای وحدت سیاسی و همگرایی اقتصادی در خاورمیانه به‌شمار می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: گسترش هسته‌ای، تسلیحات کشتار جمعی، سلاح‌های اتمی، جنگ‌افزار، خاورمیانه

مقدمه

از آنجایی که شماری از کشورهای خاورمیانه مانند: ایران، امارات متحده عربی، ترکیه، عربستان، مصر و کویت، به تازگی مبادرت به تعیین یا اجرای برنامه‌های ملی برای ساخت نیروگاه‌های اتمی نموده‌اند، نگرانی غربی‌ها از آغاز عصر جدید هسته‌ای که در آن تهدید جدی زردخانه بزرگ هسته‌ای شوروی به تهدیدهای کم شدت‌تر تبدیل شود، آشکار است. در شرایط نابسامان اقتصادی و سیاسی در جهان پیشرفته، احتمال اوج‌گیری بحران‌های سیاسی بر سر مسایل امنیتی بیشتر شده و باید پیش از بروز درگیری‌های مسلحانه برای رفع نگرانی‌های امنیتی کشورها در مورد تهدیدهای نظامی به اقدامات پیشگیرانه صلح‌آمیز روی آورد. از این‌رو، اهمیت توجه بیشتر به تأثیر گسترش سلاح‌های نامتعارف بر ناامنی منطقه‌ای انکار ناشدنی است. در این پژوهش، چهار پرسش اصلی مطرح خواهند شد: ۱. وضعیت فعلی گسترش جنگ‌افزارهای کشتار جمعی در خاورمیانه چگونه است؟ ۲. احتمال گسترش این‌گونه توانایی‌های نظامی در آینده منطقه چقدر است؟ ۳. آیا عوامل تشویق‌کننده و بازدارنده مسابقات تسلیحات کشتار جمعی شناخته شده هستند؟ ۴. چگونه می‌توان به کنترل تسلیحات در خاورمیانه کمک کرد؟

جایگاه کنونی خاورمیانه در بازار اسلحه جهانی

کشورهای خاورمیانه در بین بزرگترین واردکنندگان اسلحه در دنیا قرار دارند و این در حالی است که این منطقه شاهد جنگ‌ها، بحران‌های بزرگ و درگیری‌های نظامی بیشماری (مانند چهار جنگ بزرگ اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و جنگ‌های خلیج فارس در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، ۱۹۹۱ و



۲۰۰۳) بوده است. منطقه خاورمیانه با جمعیت ۳۸۷ میلیون نفری خود در سال ۲۰۰۳ دارای نیروهای نظامی معادل حدود ۲/۵ میلیون نفر بوده است. البته تفاوت‌های آشکاری بین کشورهای منطقه در اندازه جمعیت، اندازه جغرافیا، درآمد سرانه، اندازه نیروهای مسلح و کیفیت ساز و برگ‌های نظامی آنها دیده می‌شود (به جدول ۱ بنگرید). به‌طور مثال، بحرین با جمعیتی کمتر از ۷۰۰ هزار نفر (صد و شصت و چهارمین در دنیا) و مساحتی معادل ۶۶۵ کیلومتر مربع (با رتبه دویستمین کشور جهان) دارای درآمد سرانه‌ای برابر با ۱۹ هزار و ۲۰۰ دلار در سال ۲۰۰۴ بوده؛ و تنها از حدود ۱۱ هزار پرسنل نظامی برخوردار است. در مقایسه، کشورهای پر جمعیت‌تر خاورمیانه، مانند ایران (با نیروهای مسلح ۵۲۰ هزار نفری)، ترکیه (با ۵۱۵ هزار نفر پرسنل نظامی)، مصر (با ۴۴۳ هزار نفر نیروی نظامی)، سوریه (با ۳۱۹ هزار نفر پرسنل نظامی)، عربستان سعودی (با ۲۰۰ هزار نفر نیروی نظامی)، اسرائیل (با ۱۶۲ هزار نفر نیروهای مسلح) دارای ارتش‌های حرفه‌ای بزرگتری هستند.^(۱)

انتقال اسلحه یکی از عواملی است که به نظامی‌گرایی خاورمیانه کمک کرده است. فروش و انتقال جنگ افزارهای متعارف و پیشرفته به کشورهای منطقه در زمانی ادامه پیدا کرده است که این سلاح‌ها در جنگ‌های بین کشورها یا در جنگ‌های داخلی به طور گسترده‌ای، حتی در شرایطی برای سرکوب خواسته‌های قانونی مردم از سوی رژیم‌های غیر مردمی (مانند رژیم بعثی عراق) به کار رفته است. شرم‌آور است که در قرن بیست و یکم نیز قدرت‌های بزرگ و از همه بیشتر روسیه و آمریکا به دلایل اقتصادی و سیاسی به فروش اسلحه ادامه می‌دهند.^(۲)

در دوره پنج ساله ۲۰۰۳-۲۰۰۷، حدود ۲۲ درصد از سلاح‌های انتقال یافته در جهان به خاورمیانه سرازیر شد. بزرگترین وارد کننده اسلحه در این دوره امارات متحده عربی با ۷ درصد از کل واردات ساز و برگ‌های نظامی بود.^(۳) آمریکا در این دوره زمانی با ۳۱ درصد از کل سلاح‌های متعارف فروخته شده سایر کشورهای جهان به ارزش ۳۴ هزار و ۴۹۹ میلیون دلار رتبه اول، و روسیه با ۲۵ درصد از کل این سلاح‌ها به ارزش ۲۸ هزار و ۳۲۸ میلیون دلار رتبه دوم را در جهان به خود اختصاص داده بودند. در دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۷، پانزده کشور با اختصاص دادن ۹۸/۵ درصد از سلاح‌های صادر شده در جهان به ارزش ۱۰۶ هزار و ۸۵۳ میلیون دلار به

ترتیب عبارت بودند از: آمریکا (۳۱ درصد)، روسیه (۲۵ درصد)، آلمان (۱۰ درصد)، فرانسه (۹ درصد)، انگلستان (۴ درصد)، هلند (۴ درصد)، ایتالیا (۲ درصد)، سوئد (۲ درصد)، چین (۲ درصد)، اوکراین (۲ درصد)، اسپانیا (۲ درصد)، اسرائیل (۱ درصد)، کانادا (۱ درصد)، سوئیس (۰/۵ درصد)، لهستان (۰/۵ درصد). ۸۱ درصد از کل سلاح‌های متعارف فروخته شده در جهان به پنج کشور عضو دائم شورای امنیت اختصاص داشت^(۴)؛ و کل هزینه‌های نظامی جهان در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ بالغ بر ۹ هزار و ۹۴۷ میلیارد دلار به قیمت‌های ثابت ۲۰۰۵ (به طور متوسط سالانه حدود یک تریلیارد دلار) بود^(۵) (به جدول ۲ بنگرید). آشکار است که با تغییر در سیاست‌های صدور اسلحه این قدرت‌های بزرگ، می‌توان چهره امنیتی نظام بین‌الملل را به خوبی دگرگون کرد.

آنچه اهمیت دارد این است که تحول عمده‌ای در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در دوران پس از جنگ سرد به وقوع نپیوست. گرچه با تغییر اوضاع، سیاست‌گذاران این کشور مجبور شده‌اند که به جای سیاست مهار، سخن از «دکترین‌های» متناقض و مبهمی به میان آورند، اما در اصول راهنمای سیاست خارجی آنها در قبال کشورهای منطقه از جمله انگیزه‌های واقعی مداخله‌جویی آمریکا تغییر چشمگیری مشاهده نمی‌شود. دو اصل مهم در سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ دوم خلیج فارس (سال ۱۹۹۱) عبارت بود از: یک، دکترین مهار دو جانبه ایران و عراق که در سال ۱۹۹۳ اجرا شد. ایران و عراق دو کشوری که به دلایل ویژگی‌های جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی به طور طبیعی باید قدرت‌های بزرگ منطقه خود باشند، در این دکترین باید رو در روی هم قرار داده شوند تا هیچیک بر منطقه تسلط پیدا نکرده و مانعی برای انتقال همیشگی منابع انرژی خلیج فارس به غرب ایجاد نکنند. دولت بوش با برگزیدن این سیاست ناگزیر بود که دو کشور را منزوی کرده و در منطقه خلیج فارس نفوذ سیاسی و نظامی خود را گسترش دهد. و اصل دوم، حمایت از «فرآیند صلح» اعراب و اسرائیل است. آمریکا هنوز در منطقه به دنبال حمایت از نظامی اقتدارگرایانه برای مقابله با چالش‌های پیشروی گسترش نفوذ است و در این راه با حمایت از اسرائیل به حفظ برتری نظامی این کشور بر سایر کشورهای منطقه کمک می‌کند. پیشبرد دموکراسی که یکی از مهمترین اصول سیاست

خاورمیانه‌ای بوش معرفی شده است، هرگز مهمترین هدف سیاست خارجی آمریکا نبوده و اکنون نیز چنین نیست. پدیده جهانی شدن تا حدی نوع و روش مداخله آمریکا را تغییر داده است، اما اهداف کلی که واشنگتن در خاورمیانه دنبال می‌کند دچار تحول مهمی نشده است.^(۶)

محو شدن شوروی از صحنه جهانی به عنوان یکی از دو ابرقدرت به آمریکا آزادی عمل قابل توجهی داد تا اراده خود را بر خاورمیانه تحمیل کند. پس از فروپاشی شوروی، کشورهای که در صدد مبارزه با سلطه‌جویی آمریکا برآمدند، به انزوای اقتصادی و سیاسی تهدید شدند و این در حالی بود که نمی‌توانستند برای دریافت کمک به ابرقدرت دیگری رو آورند. آن گروه از کشورهایی که آمریکا را به چالش علنی فراخوانده‌اند (مانند ایران و عراق) با تهدید تحریم و حمله نظامی این کشور روبه‌رو شده‌اند. به کشورهای حاشیه خلیج فارس (کویت، عربستان، قطر و امارات) اجازه داده شد تا با شتاب بسیار به خریداری سلاح‌های جدید بپردازند و تا سال ۱۹۹۴ واردات اسلحه آنها در مقایسه با واردات مشابه به ایران ۳۰ به ۱ بود. عربستان سعودی به عنوان بزرگترین خریدار سلاح پدیدار شد و بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ حدود ۳۶/۴ میلیارد دلار تنها از آمریکا جنگ‌افزارهای پیشرفته خریداری کرد.^(۷) بر اساس گزارش‌های رسمی کنگره آمریکا، سفارش دولت‌ها برای خرید تسلیحات در ۲۰۰۷ به ۶۰ میلیارد دلار رسید. این رقم نشان‌دهنده افزایش ۹/۲ درصدی نسبت به سفارش‌های سال پیش از آن است.^(۸) در سال ۲۰۰۷، بزرگترین وارد کنندگان اسلحه از آمریکا در خاورمیانه به ترتیب عبارت بودند از: اسرائیل (۱/۴ میلیارد دلار)، مصر (۱/۲ میلیارد دلار)، عربستان (۱ میلیارد دلار)، کویت (۳۶۰ میلیون دلار)، عراق (۳۳۰ میلیون دلار). بر مبنای ارزش دلاری اسلحه فروخته شده آمریکا در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۴، بزرگترین دریافت کنندگان منطقه‌ای به این شرح هستند: اسرائیل (۵/۷ میلیارد دلار)، مصر (۵/۵ میلیارد دلار)، عربستان (۴/۴ میلیارد دلار)، کویت (۱/۵ میلیارد دلار)، افغانستان (۹۵۰ میلیون دلار)، ترکیه (۹۲۰ میلیون دلار). فهرست واردکنندگان بزرگ اسلحه از آمریکا در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۰ تا حدی تغییراتی را آشکار می‌کند: عربستان (۶ میلیارد دلار)، مصر (۵/۱ میلیارد دلار)، اسرائیل (۳ میلیارد دلار)، ترکیه (۱/۲ میلیارد دلار)، کویت (۱ میلیارد دلار)، بحرین

(۵۸۰ میلیون دلار). در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۰، قراردادهای تسلیحاتی بین آمریکا و کشورهای خاورمیانه نیز همین گروه در صدر فهرست بزرگترین مشتریان سلاح‌های آمریکایی قرار داشتند. مصر با قراردادهایی به ارزش ۱۱/۹ میلیارد دلار رتبه نخست را به خود اختصاص داد و سایر کشورها به ترتیب عبارت بودند از: امارات متحده عربی (۱۱/۵ میلیارد دلار)، عربستان (۹/۳ میلیارد دلار)، اسرائیل (۹/۲۷ میلیارد دلار)، ترکیه (۷/۸ میلیارد دلار)، عراق (۳/۶ میلیارد دلار)، کویت (۱/۷ میلیارد دلار).^(۹)

نکته مهم این است که تسلیحات صادر شده به اسرائیل شامل جت‌های جنگنده و بالگردهای جنگی پیشرفته بوده و به‌ندرت چنین جنگ‌افزارهایی در اختیار کشورهای عربی قرار گرفته است. به طور مثال، آمارهای ارائه شده آمریکا به «ثب واردات و صادرات اسلحه سازمان ملل» نشان می‌دهد که این کشور در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۴ به ترتیب ۱۹، ۲۲ و ۲۱ فروند هواپیمای جنگنده اف-۱۶ دی، به دولت یهودی صادر کرده است. در سال ۲۰۰۳ نیز ۳ فروند جت جنگنده اف-۱۶ به نیروی هوایی اسرائیل ارائه شد. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ نیز دولت بوش ۶۶ بالگرد جنگی، شمار زیادی موشک و سیستم پرتاب موشک در اختیار نیروهای نظامی اسرائیلی قرار داد. هم‌اکنون، این جنگنده‌ها و بالگردهای پیشرفته در جنگ ناعادلانه تل‌آویو علیه مردم غزه به کار گرفته می‌شوند. تنها امارات موفق شد که در سال ۲۰۰۰ موافقت دولت بوش را برای خرید ۸۰ فروند هواپیمای اف-۱۶ به ارزش ۶/۴۳۲ میلیارد دلار جلب کند، و ۸ فروند از آنها را در سال ۲۰۰۴ دریافت کرد. سال ۲۰۰۶ نیز ۲۶ فروند هواپیمای اف-۱۶ ئی اف به دولت امارات تحویل داده شد. ۲۴ فروند جنگنده اف-۱۶ در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به مصر، ۱۲ فروند جنگنده اف-سی و اف-دی به عمان در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ و ۸ فروند جنگنده اف-۱۶ به اردن در سال ۲۰۰۳ صادر شد.^(۱۰)

به موازات افزایش صادرات اسلحه به منطقه خاورمیانه در این دهه، شمار نظامیان آمریکایی در خلیج فارس به ۲۰ هزار نفر رسید و مردم آمریکا مجبور شدند سالانه ۵۰ میلیارد دلار برای نگهداری و تجهیز نیروهای نظامی خود صرف کنند. ناوگان پنجم آمریکا دارای پایگاهی همیشگی در بحرین شد. پنتاگون پیش‌بینی کرد

که استقرار نیروهای آمریکایی در خلیج فارس ۲۰ تا ۵۰ سال ادامه خواهد داشت. تقریباً در مدتی کمتر از ۵۰ سال منابع نفت و گاز همه کشورهای منطقه تهی می‌شود؛ و غرب دیگر برای تأمین انرژی خود نیازی به خلیج فارس نخواهد داشت.

سیاست مهار دوگانه برای مقابله با تهدیدهای امنیتی دولت‌های یاغی، در پی سقوط شوروی مطرح شد؛ و این کشورها در خاورمیانه عبارت بودند از: ایران، عراق، لیبی، سوریه و سودان. از دیدگاه واشنگتن این کشورها نه تنها در جستجوی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی هستند، بلکه از عملیات تروریستی برضد غرب و اسرائیل حمایت می‌کنند. این سیاست‌ها نه تنها خاورمیانه را به انبار اسلحه، عراق و افغانستان را به محل تاخت و تاز نیروهای نظامی آمریکا و انگلستان، و لبنان و غزه را به صحنه نبرد اسرائیل تبدیل کرده، بلکه ارمغانی جز هزینه‌های سرسام‌آور و کاهش اعتبار آمریکا در افکار عمومی بین‌المللی نداشته است. بنا به گزارش‌های اخیر آماده شده برای کنگره آمریکا، هزینه‌های سالانه جنگ این کشور در عراق و افغانستان در سال‌های اخیر بیش از دو برابر شده است؛ و از ۷۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴، به ۱۶۵ میلیارد دلار در ۲۰۰۷ رسید. این افزایش به دلایل گوناگونی از جمله نیاز به ساز و برگ‌ها و پوشش حفاظتی برای پرسنل نظامی، وجوه لازم برای آموزش نیروهای امنیتی افغانی و عراقی، و هزینه‌های تعمیر و بازسازی تجهیزات جنگی بوده است.^(۱۱)

هزینه‌های عملیات نظامی وزارت دفاع آمریکا در عراق، افغانستان و برنامه‌های امنیتی، اکنون معادل ۹۰ درصد از هزینه‌های ۱۲ سال جنگ در ویتنام (۶۷۰ میلیارد دلار) و دو برابر هزینه جنگ کره (۲۹۵ میلیارد دلار) است. این هزینه‌ها بیش از شش برابر هزینه جنگ اول خلیج فارس برای آزاد سازی کویت (۹۴ میلیارد دلار) تخمین زده شده است. آمریکا حدود ۷ میلیارد دلار یا ۷ درصد از هزینه آن جنگ را متحمل شد و بیشتر هزینه‌ها را دولت‌های کویت و عربستان پرداختند. جنگ عراق تاکنون معادل حدود ۶۵ درصد از کل هزینه‌های جنگ ویتنام بوده است. اشغال نظامی عراق برای واشنگتن حدود ۵۰ درصد بیش از جنگ کره و چهار و نیم برابر هزینه‌های جنگ اول خلیج فارس (سال ۱۹۹۱) هزینه داشته است.^(۱۲)

هیچ فردی تاکنون این واقعیت که سلاح‌های اتمی از مخرب‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی به‌شمار می‌آیند، را انکار نکرده است. اگر حتی یک درصد از تسلیحات هسته‌ای استراتژیک به‌کار گرفته شود، ما شاهد نابودی زمین خواهیم بود. گرچه کاربرد برخی از سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی منجر به خرابی فیزیکی و کشتار گروهی گسترده‌ای خواهد شد، اما پرتاب موشک‌های مجهز به کلاهک‌های هسته‌ای می‌تواند طی چند دقیقه به زندگی بشر در کره خاکی پایان دهد. به این دلیل، شماری از پژوهشگران اصرار دارند که واژه «تسلیحات کشتار جمعی» فقط برای اشاره به جنگ‌افزارهای اتمی به‌کار رود. برخلاف این استدلال، در اینجا واژه «تسلیحات کشتار جمعی» به هرگونه سیستم تسلیحاتی نامتعارف که باعث کشته شدن و انهدام در مقیاس بزرگ شود، اطلاق می‌شود. در جنگ‌های تاریخ بشری، کاربرد ساز و برگ‌های نظامی متعارف و تاکتیک‌های نظامی در صحنه نبرد، بیش از سلاح‌های نامتعارف (هسته‌ای، بیولوژیک، رادیولوژیک، سمی و شیمیایی) خسارات جانی و مالی به‌بار آورده است. امروزه، سلاح‌های شیمیایی، میکروبی، بیولوژیک و سمی در عمل می‌توانند جان میلیون‌ها انسان را تهدید کنند، اما پیامدهای منطقه‌ای و جهانی کاربرد این سلاح‌ها به راحتی قابل کنترل نیست. به‌طور مثال، چگونه می‌توان مواضع دشمن را با این سلاح‌ها مورد هدف قرار داد و اطمینان داشت که هیچ‌گونه آسیبی به نیروهای خود و هم‌پیمانان وارد نمی‌شود؟ بدیهی است که پیامدهای زیست‌محیطی استفاده از این تسلیحات برای همگان، حتی کشورهای دارنده آنها تهدیدکننده خواهد بود.^(۱۳)

در جنگ‌های اخیر خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده شده است. به فرمان رژیم صدام در عراق سلاح‌های شیمیایی نه تنها علیه نظامیان ایرانی در صحنه‌های نبرد، بلکه علیه غیرنظامیان بی‌گناه کُرد در حلبچه به‌کار گرفته شد. اگرچه سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک به اندازه سلاح‌های اتمی در ذهن انسان‌ها ترس و وحشت ایجاد نمی‌کنند، اما به دلیل سهولت تولید و هزینه بسیار کمتر، احتمال بیشتری دارد در دسترس دولت‌ها و یا حتی گروه‌های غیر دولتی قرار گیرند. در نتیجه باید بر تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی سال

۱۹۹۳^۱ و کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک سال ۱۹۷۲^۲، از سوی کشورهای خاورمیانه تأکید شود.

Archive of SID

تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸، ۱۶۲ کشور معاهده سلاح‌های سمی و بیولوژیک را امضا کرده و یا به مورد اجرا درآورده بودند. دو کشور خاورمیانه‌ای (مصر و سوریه) این کنوانسیون را امضا کرده، اما تصویب نکرده‌اند. شاید به دلیل شرطی بودن خریدهای تسلیحاتی خود از آمریکا بود که امارات سال ۲۰۰۷ اقدام به تصویب این معاهده کرد. تنها یک کشور در این منطقه (اسرائیل) در بین ۲۰ کشوری در جهان قرار دارد که از امضای این معاهده تا به امروز خودداری کرده‌اند (به جدول سه بنگرید). نماینده اسرائیل در ۲۰۰۷ بیان کرد که کشورش می‌پذیرد تهدید جنگ بیولوژیک بسیار خطرناک است، اما شرایط منطقه‌ای را نباید نادیده گرفت. در نتیجه، اسرائیلی‌ها امیدوارند که شرایط آینده به اوضاع منطقه‌ای بهتری منجر شود و بتوانند در این مورد (یعنی امضای کنوانسیون) بازنگری کنند.^(۱۴) ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷، ۱۸۳ کشور به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ملحق شده یا آن را تصویب کرده بودند. با توجه به توانایی تولید و کاربرد تسلیحات شیمیایی توسط شماری از کشورهای عرب همسایه اسرائیل، رهبران یهودی این معاهده را در سال ۱۹۹۳ امضا کرده، اما تصویب نکرده‌اند. در حالی که سه کشور خاورمیانه‌ای مصر، عراق و سوریه آن را نه امضا کرده و نه به تصویب رسانده‌اند. شماری از کشورهای خاورمیانه‌ای بیان کرده‌اند که تنها زمانی این کنوانسیون را به مورد اجرا درخواهند آورد که اسرائیل به معاهده ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های اتمی (ان پی تی)^۳ ملحق شود.^(۱۵) تل‌آویو معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای را در ۱۹۹۶ امضا کرده، اما مانند ایران، آمریکا و بسیاری از کشورهای خاورمیانه‌ای آن را تصویب نکرده است. در این میان قدرت‌های بزرگ غربی به جای اعمال فشار بر رهبران اسرائیلی برای تصویب

1. The Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on Their Destruction, or Chemical Weapons Convention (CWC)
2. Biological and Toxin Weapons Convention (BTWC)
3. Non Proliferation Treaty (NPT)



معاهده‌های مهم کنترل تسلیحات کشتار جمعی، تنها به سیاست‌ها و برنامه‌های نظامی نامتعارف رقبا و دشمنان احتمالی اسرائیل و غرب در خاورمیانه توجه کرده‌اند.

Archive of SID

مهمترین استدلال دولت بوش برای حمله به عراق در آوریل ۲۰۰۳ این ادعا بود که صدام حسین زرادخانه‌ای از سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار دارد. واقعیت این بود که عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم ایران و در حملات غیر انسانی علیه مردم کُرد استفاده کرده بود. از این گذشته، این کشور مقادیر زیادی سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک که بسیاری از آنها به کمک شرکت‌های آمریکایی و غربی ساخته شده بودند در زرادخانه‌اش انبار کرده بود. در ضمن، در صدد دستیابی به سلاح‌های اتمی نیز برآمده بود. پس از شکست نیروهای عراقی به دست نیروهای نظامی تحت فرماندهی آمریکا، در عملیاتی که ۲۷ فوریه ۱۹۹۱ به پایان رسید، زرادخانه کشتار جمعی صدام حسین با فعالیت آنسکام به تدریج نابود شد. در پی فشارهای بین‌المللی، دولت بغداد مه ۱۹۹۲ اعتراف کرد که اقدام به سرمایه‌گذاری در برنامه پژوهشی بیولوژیک کرده بوده است، اما هنوز به مرحله ساخت تسلیحات بیولوژیک نرسیده بود. پس از چند سال در اوت ۱۹۹۵، ژنرال حسین کامل حسن مجید، داماد صدام حسین که با عنوان وزیر صنایع و رییس شرکت صنعتی نظامی مسوولیت اداره برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی عراق را بر عهده داشت، به اردن پناهنده شد. پس از فرار او، دولت عراق به اطلاع رالف ایکویوس در سمت رییس وقت آنسکام رساند که اطلاعات بیشتری را آشکار خواهد کرد. بر مبنای گزارش مقامات عراقی، برنامه سلاح‌های بیولوژیک آنها که سال ۱۹۷۵ آغاز شده بود، پس از پیشرفت کم در ۱۹۷۸ متوقف شد. عراقی‌ها در ۱۹۸۵ تصمیم به ازسرگیری این برنامه گرفتند. مه ۱۹۸۷، در مرکز السلمان^۱ مواد بیولوژیک بر روی حیواناتی مانند سگ و میمون آزمایش شد؛ و دو مرکز در تجی^۲ و الحکام^۳ برای تولید جنگ‌افزارهای سمی و بیولوژیک تجهیز شدند. آنسکام به شواهدی در مورد

جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و کنترل تسلیحات در خاورمیانه ♦ دکتر سعیده لطیفیان

-
1. Al-Salman
 2. Taji
 3. Al-Hakam

کاربرد مواد سمی مانند سم افلاتاکسین بر روی انسان دست یافت. در ژانویه ۱۹۹۱، تسلیحات بیولوژیک در چهار مکان در قلمروی عراق مستقر شد تا در صورت حمله اتمی علیه این کشور برای انتقامجویی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.^(۱۶) به گفته حسین کامل، تمام تسلیحات بیولوژیک و شیمیایی عراق به فرمان او در سال ۱۹۹۱ نابود شده بودند. به نوبه خود مقامات دولت عراق مدارک بیشماری را در اختیار آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دادند و مدعی شدند که حسین کامل این مدارک را در مزرعه خود پنهان کرده بود.^(۱۷)

در ژوئیه ۲۰۰۸، نیروهای آمریکایی ۵۵۰ تن کیک‌زرد را از مراکز اتمی عراق در تویته^۱ با هواپیما به جزیره دیگوگارسیا، محل یک پایگاه دریایی آمریکایی و سپس با کشتی به بندری در مونترال برای شرکت کانادایی خریدار آن با نام کامکو^۲ منتقل کردند. این مواد پس از بازفرآوری برای تولید ۵۰ بمب اتمی کافی خواهد بود.^(۱۸)

رویداد حلبچه در ۱۹۸۸ زمانی اتفاق افتاد که عراق از کمک‌های نظامی و اقتصادی واشنگتن بهره‌مند می‌شد. به گفته هیلترمن، یکی از دیده‌بانان حقوق بشر: «وزارت امور خارجه آمریکا حتی به دیپلمات‌های خود دستور داده بود تا بگویند ایران تا حدی در این امر مقصر است.» نتیجه این سیاست نابخردانه این بود که جامعه بین‌المللی اقدام به محکومیت قاطعانه عملی این اقدام عراق که به اندازه حمله تروریستی علیه مرکز تجارت جهانی هولناک بود، نکرد.^(۱۹) به گفته جورج تنت، رییس پیشین سیا: «همه می‌دانستند که عراق در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دارای سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک بوده است. صدام حسین دستکم در ده مورد مختلف از تسلیحات شیمیایی علیه مردم ایران و عراق استفاده کرد.»^(۲۰) سکوت جامعه بین‌المللی در برابر این مسئله نشان‌دهنده سیاست یک بام و دو هوای قدرت‌های بزرگ است. به جای محکومیت قاطع و بی‌قید و شرط سیاست تولید و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی، تنها به روشی انتخابی، در برخی موارد به انتقاد از چنین سیاست‌هایی اقدام کرده‌اند تا مانع از دستیابی قدرت‌های مخالف خود به

1. Tawaittha
2. Cameco

چنین سلاح‌هایی شوند. پس از سرنگونی رژیم بعثی در ژوئیه ۲۰۰۷ دادگاهی در عراق، علی‌حسن‌المجید (ملقب به علی شیمیایی) و دو دستیار وی را به اتهام نقش آنها در کشتار انفال^۱ در ۱۹۸۸ علیه‌گُردها در شمال عراق از جمله شهر حلبچه و کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی نیروهای نظامی عراقی، به مرگ محکوم کرد.^(۲۱)

عراق در زمان حمله به کویت دارای سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک بود که آماده پرتاب با موشک، به سوی دشمن بودند. مقامات عراقی اعتراف کردند که ۱۹۱ کلاهک به مواد بیولوژیک مجهز شده بودند و می‌توانستند دو هزار لیتر از این مواد را روی هر هدف مشخصی پخش کنند. آنسکام بیش از ۸۰۰ موشک اسکاد که برخی به کلاهک‌های پر شده از مواد وی‌ایکس (گاز عصبی) و سارین مجهز شده بودند، کشف کرد. صدام حسین هرگز فرمان استفاده از این سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک را علیه نیروهای آمریکایی و یا شهرهای اسرائیلی صادر نکرد و احتمال می‌رود که عامل بازدارنده این امر ترس از حمله اتمی آمریکا و یا اسرائیل بوده باشد.^(۲۲)

۲۹ ژوئن ۲۰۰۷، کمیسیون نظارت و بازرسی سازمان ملل «آن موویک»^۲ با تصویب قطعنامه ۱۷۶۲ شورای امنیت، منحل شد. با این قطعنامه به فعالیت‌های «آن موویک» و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در مورد اجرای قطعنامه‌های مربوط به عراق که پس از حمله سال ۱۹۹۰ این کشور به کویت به تصویب رسیده بودند، پایان داده شد. در این قطعنامه که با ۱۴ رأی مثبت و یک غایب (روسیه) تصویب شد، از دبیر کل سازمان ملل متحد خواسته شد تا اقدامات لازم برای نگهداری آرشیوها و مدارک «آن موویک» فراهم آورده شود. برخی از اعضای سازمان ملل از جمله روسیه مایل بودند که «آن موویک» به فعالیت خود در عراق ادامه داده و بررسی کند که آیا عراق به‌طور کامل از سلاح‌های کشتار جمعی عاری شده است یا نه.^(۲۳) این کشورها نگران بودند که بدون بازرسی دقیق از سوی سازمان ملل، تردید در مورد آنچه از برنامه‌های کشتار جمعی صدام حسین باقی مانده است و احتمال دارد امنیت بین‌المللی را تهدید کند، کماکان بر جا بماند. از آن پس به «آن موویک»

1. Anfal

2. UN Monitoring, Verification and Inspection Commission (UNMOVIC)



اجازه داده نشد در عراق به فعالیتش ادامه دهد و آمریکا نیز این کمیسیون را از یافته‌های طبقه‌بندی شده (محرمانه) خود در مورد بازرسی‌هایش برای پیدا کردن شواهدی از وجود برنامه‌های کشتار جمعی در عراق، مطلع نکرد.^(۲۴) پرونده‌های «ان موویک» به آرشیو سازمان ملل منتقل شده و دسترسی به آنها تا اطلاع ثانوی محدود اعلام شده است.

حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، بر اساس اطلاعات گمراه کننده یک مهندس عراقی به نام رفید احمد الوان^۱ با نام مستعار «توپ خم»^۲ که در آلمان به سر می برد، انجام شد. وی ادعا کرد که مراکز متحرک تولید سلاح‌های بیولوژیک در اختیار عراقی‌ها قرار دارد. گرچه تحلیلگران آلمانی و آمریکایی به درستی این ادعا شک داشتند، اما دولت بوش تصمیم گرفت با استفاده از این اطلاعات تأیید نشده حمله به عراق را توجیه کند.^(۲۵) همان‌طور که مشاهده شد، آمریکایی‌ها در بازرسی‌های مکرر موفق به کشف چنین مراکزی در عراق نشدند. در سال ۲۰۰۷، آرشیو امنیت ملی دانشگاه جورج واشنگتن اقدام به چاپ اسناد بسیاری کرد که از فریب و دسیسه احمد الوان خبر می داد.^(۲۶)

در کتاب «اسرائیل و برخورد تمدن‌ها»، کوک به شرح نقش اسراییل در تشویق دولت بوش برای حمله به عراق به عنوان بخشی از نقشه بازسازی خاورمیانه و سیاست آنها به منظور در انزوا قرار دادن ایران و جلوگیری از کسب توانایی اتمی این کشور، می پردازد. او بیان می کند که دلبستگی اسراییل به قدرت منطقه‌ای برتر شدن، با اهداف بوش در «جنگ علیه تروریسم» مطابقت داشت. فرضیه مطرح شده وی این است که ناامنی و هرج و مرج موجود در خاورمیانه هدف اصلی دولت بوش بوده و این سیاست برای دولت یهودی مفید بوده است.^(۲۷) حمله اسراییل به لبنان در ۲۰۰۶، و تهاجم گسترده به غزه در ۲۰۰۸، همراه با تهدیدهای پی در پی در مورد حمله هوایی به مراکز هسته‌ای ایران، نشانگر درستی این فرضیه است.^(۲۸) تل‌آویو به این بهانه که کشوری کوچک با جمعیتی حدود شش میلیون نفر است که ۷۰ درصد از آنان در باریکه ساحلی به عمق ۱۴ مایل ساکن هستند، به گسترش

1. Rafid Ahmad Alwan

2. Curveball

زرادخانه کشتار جمعی و موشک‌های دوربرد خود ادامه داده است. از زمان ایجاد دولت یهودی در ۱۹۴۹ تا کنون، اسرائیل با این پندار که در محاصره همسایگان متخاصم قرار دارد همواره در پی کسب توانایی‌های تولید سلاح‌های کشتار جمعی بوده است. به ادعای فلدمن، بیشتر اسرائیلی‌ها با نگرانی بسیار به احتمال کسب توانایی سلاح‌های هسته‌ای کشوری دیگر در خاورمیانه می‌نگرند.^(۲۹) آشکار است که انحصار اتمی اسرائیل به ریسک‌پذیری و رفتار تهاجمی تل‌آویو منجر شده است. برخی از همسایگان اسرائیل بر این باورند که توانایی نامتعارف نظامی دولت یهودی برای بازدارندگی و دفاع نیست و برای ایجاد ترس و بی‌ارادگی در هر نوع درگیری با اعراب بر سر سرزمین‌های اشغال شده و یا حق بهره‌برداری از منابع آب به کار می‌رود. از این‌رو، رهبران اسرائیل همواره با لجاجت به نظامی‌گری ادامه داده و بارها مانع از دستیابی رقبای خود به توانایی‌های نظامی مشابه شده‌اند. به طور مثال، در دهه ۱۹۶۰ آنان با اقداماتی خرابکارانه مانع از ادامه همکاری نظامی مصر با دانشمندان آلمانی آشنا به برنامه اتمی نازی‌ها شدند. سال ۱۹۸۱ با بمباران هوایی نیروگاه اتمی در حال ساخت ازیراک، از اتمی شدن عراق جلوگیری کردند. سپتامبر ۲۰۰۷، تاسیساتی در سوریه را با این ادعا که محل ایجاد یک نیروگاه اتمی به کمک کره شمالی است، بمباران کردند. از اوایل دهه ۱۹۹۰ با جدیت به تبلیغات منفی ضد برنامه اتمی ایران پرداخته و حتی بارها از نقشه‌های حمله به مراکز نظامی ایران سخن گفته‌اند.^(۳۰) اما به دلیل پراکندگی این مراکز در کشوری به وسعت و عمق استراتژیک ایران و نیز توانایی انتقامجویی نیروهای نظامی این کشور علیه مراکز حساس اسرائیلی، تاکنون نتوانسته‌اند تهدید خود را عملی کنند.

شماری از پژوهشگران غربی به رابطه‌ای مستقیم بین ساخت نیروگاه اتمی بوشهر و تصمیم کشورهای خاورمیانه مانند ترکیه، مصر، امارات، عربستان به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی هسته‌ای اشاره می‌کنند؛ و استدلال می‌کنند که برنامه‌های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای در این منطقه می‌تواند به کاربردهای نظامی منتهی شود.^(۳۱) چرا قدرت‌های بزرگ، زرادخانه اتمی اسرائیل و سیاست‌های تهاجمی این کشور در منطقه را انگیزه مهم تلاش‌های کشورهایمانند لیبی و عراق در دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی معرفی نمی‌کنند؟^(۳۲) آزمایش‌های اتمی هند

و پاکستان منجر به افزایش آگاهی مردم عرب نسبت به اهمیت تسلیحات هسته‌ای شد. حسنین هیکل روزنامه‌نگار و سردبیر پیشین الاهرام در مصر و غسان توینی صاحب روزنامه النهار لبنان در مورد رابطه بین پاکستان و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس مطالب مهمی بیان داشته‌اند. از قرار دولت‌های عرب این منطقه بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار به برنامه اتمی پاکستان کمک کرده بودند. به دلیل نبود اطمینان از ضمانت‌های امنیتی آمریکا از دولت‌های عرب خلیج فارس در زمان بحران، رهبران این کشورها به فکر توانایی نظامی اتمی افتاده‌اند، اما عرب‌ها ۱۲ تا ۱۵ سال با رسیدن به هدف خود فاصله دارند. پیش از این نیز، دولت‌های عرب به اهمیت توانایی اتمی اسرائیل پی برده بودند. در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، مصر و سوریه تصمیم گرفتند که جنگ را به سرزمین‌های اشغال شده در بلندی‌های جولان و صحرای سینا محدود کنند، زیرا از واکنش حمله اتمی تل‌آویو به شهرهای خود بیم داشتند. هنگامی که نخست وزیر اسرائیل، گلدا مایر، در روزهای نخست این جنگ پیش‌بینی کرد که احتمال پیروزی اعراب زیاد است، دستور استقرار ۱۳ کلاهک اتمی را به نحوی که با کمک ماهواره‌های آمریکایی شناسایی شوند، صادر کرد. هدف دولت یهودی ارسال پیام به واشنگتن بود که در صورتی که نیازهای دفاعی آنها تامین نشود، آمادگی استفاده از کلاهک‌های اتمی خود را دارد. (۳۳) در جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، مصر دارای سلاح‌های شیمیایی بود اما به دلیل احتمال انتقامجویی اتمی از آنها علیه نیروهای اسرائیلی استفاده نکرد. این در حالی است که در همان دوران، نیروهای نظامی مصر در جنگ داخلی یمن (۱۹۶۷-۱۹۶۳) از تسلیحات شیمیایی علیه یمنی‌ها استفاده کرده بودند. (۳۴) مصر و سوریه از تصویب کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی سر باز زده و اعلام کرده‌اند که تنها در صورت تصویب معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی از سوی اسرائیل، این کنوانسیون را می‌پذیرند. (۳۵)

انگیزه دستیابی به سلاح‌های نامتعارف

از آنجایی که دولت‌های غیر اتمی به دلایل حقوقی و اخلاقی و شرایط بین‌المللی و داخلی باید هزینه سنگینی را برای تصمیم خود در جهت کسب توانایی نظامی اتمی

متحمل شوند؛ آشکار است که عوامل مهمی در بالا بردن ارزش «راه حل اتمی» دخیل هستند. این عوامل می‌توانند فرصت^۱ و دلایل انگیزه و تمایل^۲ را آشکار کنند.

Archive of SID

الف) فرصت، که مربوط می‌شود به توانایی و امکانات هر موجودیت سیاسی که در هر محیطی دارای آن است و تمام محدودیت‌ها و امکانات محیطی را نمایان می‌کند: ۱. نخستین فرصت برای تولید سلاح‌های اتمی به مجموعه فن‌آوری‌های (دانش‌ها) مرتبط با ساخت این‌گونه سلاح‌ها مربوط می‌شود؛ ۲. دومین فرصت مربوط به دسترسی به مواد اتمی شکافتنی^۳ است؛ که تولید و داد و ستد آنها به شدت محدود شده است؛ و ۳. سومین فرصت مربوط به ظرفیت اقتصادی-صنعتی ملی است. هزینه تولید سلاح‌های هسته‌ای به مرور زمان افزایش یافته است؛ زیرا برای بازدارندگی اتمی به زرادخانه‌های پیشرفته‌تر و سیستم‌های پرتاب و کنترل پیچیده‌تری نیاز است. در خاورمیانه کشورهایی که توانایی‌های اساسی برای آغاز و گسترش برنامه تولید تسلیحات اتمی نداشته باشند؛ بدون شک قادر به عملی کردن آرزوهای خود برای دستیابی به این سلاح‌ها نخواهند بود. هر چه دولتی از منابع محدودتری برخوردار و ضعیف‌تر باشد؛ بیشتر نسبت به تحریم و سایر تلاش‌های بین‌المللی ضد گسترش سلاح اتمی آسیب‌پذیر خواهد بود. چنین کشورهایی (مانند مصر، لیبی، سودان...) احتمال دارد که به جای برنامه تولید چنین سلاح‌هایی به سوی جنگ‌افزارهای شیمیایی سوق داده شوند.

ب) انگیزه و تمایل، دومین عامل مهم است. سیگن با هدف تبیین علل تولید سلاح‌های اتمی از سه عامل به شرح زیر سخن می‌گوید: ۱. امنیت بین‌المللی؛ ۲. سیاست‌های داخلی؛ و ۳. هنجارها. ۴. نخست این که وضعیت امنیت بین‌المللی، یا به عبارتی ناامنی ناشی از تهدیدهای هسته‌ای یا متعارف، یکی از انگیزه‌های آشکار برای کسب توانایی اتمی است. فرض بر این است که سلاح‌های اتمی می‌توانند از حمله دشمن یا رقیب احتمالی جلوگیری کرده و یا توازن قوا را به نفع کشور دارای

-
1. Opportunity
 2. Willingness
 3. fissile
 4. Norms



سلاح اتمی تغییر دهند.^(۳۶) در ضمن، کشورهای منزوی یا طرد شده از سوی کشورهای همسایه و سایرین، بیشتر احتمال دارد که برای به نمایش گذاشتن قدرت خود به جامعه بین‌المللی، در صدد دستیابی به سلاح‌های اتمی بایند. آمریکا و چهار کشور اتمی دیگر گاهی در مورد اعطای چتر اتمی به هم پیمانان خود سخن گفته‌اند. کره جنوبی پس از اطمینان‌بخشی آمریکا در مورد پشتیبانی و کمک در صورت حمله کره شمالی، برنامه دستیابی به سلاح‌های اتمی را متوقف کرد، گرچه به‌طور نسبی سهل و ممکن بود که خود بتواند به بمب هسته‌ای دستیابی پیدا کند.

دوم، سیاست داخلی کشورها باید در نظر گرفته شود، زیرا رژیم‌هایی که درگیر مشکلات مشروعیت و ثبات داخلی است، احتمال دارد درصدد اتمی شدن برآید تا نظر مردم را از مسائل داخلی نامطلوب به مسأله اتمی جلب کند. به‌دست آوردن سلاح‌های اتمی یا توانایی تولید آنها می‌تواند باعث تقویت احساسات ملی‌گرایانه شود. به نظر می‌آید پاکستان و هندوستان از این راه توانسته باشند مانع از ایجاد ناامنی مردمی شوند. نظرسنجی سال ۱۹۹۸ گالوپ نشان داد که ۹۷ درصد از پاسخ‌دهندگان پاکستانی با آزمایش‌های هسته‌ای کشور خود موافق بوده‌اند. حتی پس از گذشت ده سال، مردم پاکستان بیش از هر کشور اتمی دیگری از مواضع دولت خود در مورد سلاح‌های هسته‌ای حمایت می‌کنند. بر اساس نظرسنجی سال ۲۰۰۸ موسسه افکار عمومی جهان، ۴۱ درصد از آنها با نابودی کامل سلاح‌های اتمی مخالف و ۴۶ درصد موافق هستند. در مقایسه، ۸۶ درصد از فرانسوی‌ها، ۸۳ درصد از چینی‌ها، ۸۱ درصد از انگلیسی‌ها، ۷۷ درصد از آمریکایی‌ها، ۶۹ درصد از روس‌ها، ۶۷ درصد از اسرائیلی‌ها، ۶۲ درصد از هندی‌ها با این کار موافق بودند. در بین کشورهای خاورمیانه ۸۳ درصد از مردم مصر، ۷۰ درصد از مردم فلسطین، ۶۸ درصد از مردم ایران، ۶۵ درصد از مردم ترکیه موافق ایجاد معاهده‌ای بین‌المللی برای نابود کردن تمام جنگ‌افزارهای هسته‌ای در جهان بودند. باید در نظر داشت که علاقه به پایان دادن انحصار اتمی اسرائیل در منطقه، عامل مهمی در نظر موافق ایرانی‌ها، ترک‌ها، مصری‌ها و فلسطینی‌ها ایفا می‌کند.^(۳۷)

سوم، باید به هنجارها توجه شود؛ بسیاری از پژوهشگران استدلال می‌کنند که

کشورها رفتار خود را بنا بر انتظارات بین‌المللی تغییر می‌دهند تا از سوی دیگران طرد نشوند و یا به دلایل دیگری از قوانین بین‌المللی پیروی می‌کنند. اعضای معاهده «ان.پی.تی» به‌طور رسمی متعهد شده‌اند که برنامه تسلیحات اتمی نداشته باشند؛ و کشورهای اتمی عضو این معاهده نیز قرار گذاشته‌اند که در اسرع وقت به خلع سلاح اتمی مبادرت ورزند. تصمیم آفریقای جنوبی برای امضای این سند نشان دهنده نگرانی دولت دوکلرک نسبت به دستیابی اکثریت جمعیت سیاه‌پوست، به سلاح‌های اتمی بود.^(۳۸) البته برخی دولت‌ها بر این پندار تأکید دارند که هر دولتی که به توانایی نظامی اتمی دستیابی پیدا کند، به جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی برتری خواهد رسید. فرض بر این است که کسب توانایی نظامی اتمی بر پرستیژ و جایگاه نسبی دولت تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

یافته‌های یک مطالعه کمی در مورد انگیزه‌های برنامه سلاح‌های اتمی نکات مهم زیر را مشخص می‌نماید:

۱. دولت‌هایی که با تهدیدهای امنیتی بزرگ روبه‌رو هستند، ممکن است از گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای مقابله با ضعف نیروهای متعارف خود استفاده کنند (اسرائیل و پاکستان)؛
۲. دولت‌هایی که زیر چتر اتمی قدرت دیگری قرار دارند، کمتر احتمال دارد که به دنبال اتمی شدن باشند و یا در صدد افزایش توانایی نظامی اتمی خود برآیند (رومانی و کره جنوبی)؛
۳. دولت‌هایی که با تهدیدهایی از سوی قدرت‌های بزرگ اتمی روبه‌رو هستند، شاید به دلیل نگرانی از حملات پیش‌دستانه اتمی، احتمال کمتری دارد که در صدد کسب توانایی نظامی اتمی باشند (کوبا)؛
۴. قدرت‌های بزرگ بیشتر احتمال دارد که بر برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای و زرادخانه اتمی تأکید کنند (آمریکا و روسیه)؛
۵. قدرت‌های منطقه‌ای انگیزه بیشتری برای دستیابی به برنامه هسته‌ای داشته‌اند، اما تا حدی کمتر احتمال دارد که در صدد تولید سلاح‌های اتمی باشند (آرژانتین، برزیل، آفریقای جنوبی)؛
۶. کشورهای منزوی و طرد شده احتمال ندارد که بیشتر از سایرین برنامه‌ای

اتمی را آغاز کرده و یا به دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای باشند (تایوان)؛

۷. بین رژیم‌های دموکراتیک و غیر مردمی از نظر تمایل به برنامه‌های تولید سلاح‌های اتمی تفاوتی وجود ندارد؛ اما دموکراسی‌ها در شرایطی که زیرساخت لازم برای تولید سلاح‌های هسته‌ای ایجاد شده باشد، بیشتر به گسترش برنامه‌های اتمی می‌پردازند؛

۸. رهبرانی که با ناامنی یا فشارهای داخلی برای اتمی شدن روبه‌رو هستند، به ندرت به قدرت چانه‌زنی اتمی متوسل می‌شوند؛ و در نتیجه برگزیدن راه حل اتمی بدون توجه به پیامدهای بین‌المللی آن انجام می‌شود (هندوستان)؛

۹. عضویت در معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی تا حدی دولت‌ها را تشویق می‌کند قول‌ها و تعهدات خود را برای عدم گسترش این‌گونه سلاح‌ها حفظ کنند؛

۱۰. از آنجایی که خریداری سلاح‌های اتمی در بازار بین‌المللی اسلحه بسیار دشوار است، تکمیل‌کننده تمایل به دستیابی به جنگ‌افزارهای اتمی «فرصت» است. دولت‌هایی که توانایی‌های لازم برای تولید تسلیحات ندارند، تا حد زیادی موفق به سرمایه‌گذاری در برنامه‌های تولید جنگ‌افزارهای هسته‌ای نشده‌اند، چنین دولت‌هایی به جای انتخاب راه‌حل اتمی ناگزیرند به تقویت توانایی‌های نظامی متعارف خود پرداخته و یا از راه‌های دیپلماتیک به حل و فصل اختلاف‌های خود مبادرت ورزند (لیبی)؛

۱۱. توزیع فن‌آوری و دانش لازم برای تولید سلاح‌های اتمی می‌تواند محدودیت‌های سر راه دولت‌های خواهان کسب توانایی‌های هسته‌ای را از بین ببرد. هرچه دستیابی به فن‌آوری‌های هسته‌ای سهل‌تر شود، احتمال پیدایش کشورهای اتمی جدید بیشتر می‌شود؛ و

۱۲. ادامه هژمونی آمریکا می‌تواند انگیزه‌ای برای گسترش اتمی در بین کشورهای غیر اتمی باشد که مورد تهدید واقع شده‌اند. (۳۹)

با توجه به اهمیت این نکته آخر، به بررسی تأثیر سیاست‌های قدرت‌های اتمی بر وضعیت اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه می‌پردازیم. توماس شلینگ و مورتن‌هالپرین در دهه ۱۹۶۱ کتاب «استراتژی و کنترل تسلیحات» را منتشر کرده

و در آن نسبت به ماهیت «اوج گیرنده» تسلیحات اتمی که در اختیار آمریکا و شوروی بود ابراز نگرانی کردند؛ زیرا احتمال داشت که دو رقیب زیر فشار سیاسی و نظامی در اقدامی پیشگیرانه مبادرت به «کاربرد نخست»^۱ سلاح‌های کشتار جمعی علیه دیگری کنند.^(۴۰) آنها در بین پژوهشگران بی‌شماری قرار داشتند که به مسابقه تسلیحات هسته‌ای ابرقدرت‌ها با دیدی منفی می‌نگریستند؛ و استدلال می‌کردند که زرادخانه‌های اتمی به جای این که امنیت ملی را حفظ کنند، باعث شده‌اند دولت‌های اتمی احساس ناامنی بیشتری کنند؛ به این دلیل که از سیاست‌ها، نقشه‌ها و حمله‌های احتمالی پیشدستانه اتمی دشمن همواره در هراس به سر می‌برند. برای کاهش احتمال بروز جنگ اتمی، و افزایش امنیت ملی باید به کنترل تسلیحات و در انتها به خلع سلاح اتمی اتکا کرد.

به ادعای برخی از نویسندگان غربی با پایان جنگ سرد و برطرف شدن تهدید درگیری اتمی بین آمریکا و شوروی، امنیت نظام بین‌الملل بیشتر از سوی جنگ‌های منطقه‌ای که در آنها احتمال دارد سلاح‌های کشتار جمعی به کار برده شوند، مورد تهدید قرار گرفته است. از این‌رو، قدرت‌های بزرگ و کوچک باید با اقداماتی جدی و هماهنگ مانع از گسترش جنگ‌افزارهای شیمیایی، بیولوژیک و اتمی شوند.^(۴۱)

ایالات متحده به سهولت می‌تواند اقدام به اجرای سیاست «عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در حمله نخست»^۲ نماید زیرا با برتری آشکار متعارف خود قادر است در هرگونه درگیری و جنگ احتمالی به پیروزی برسد. آمریکا با امضای معاهده‌های بین‌المللی متعهد شده که هرگز اقدام به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک حتی برای حملات انتقام‌جویانه ننماید؛ و در نتیجه می‌تواند در مورد سلاح‌های هسته‌ای نیز چنین تعهدی را بپذیرد. در جنگ خلیج فارس زمانی که نیروهای آمریکایی برای کمک به آزادسازی کویت و پایان دادن به اشغال نظامی این کشور توسط نیروهای عراقی، به منطقه روانه شده بودند، دولت واشنگتن صدام حسین را تهدید کرد که اگر عراقی‌ها از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای

-
1. First Use
 2. No First Use of WMD



آمریکایی استفاده می‌کنند، احتمال دارد با حمله اتمی تلافی‌جویانه دولت بوش مواجه شوند. این تهدید برای بازدارندگی حملات شیمیایی عراق بوده و بعدها آشکار شد که سیاستمداران آمریکایی قصد عملی کردن تهدید اتمی خود را نداشتند. در برنامه مستندی در مورد این جنگ که در ژانویه ۱۹۹۶ پخش شد، ژنرال کالین پاول در پاسخ به پرسشی در این مورد که آیا دولت آمریکا قصد داشت از بمب‌های اتمی برای تلافی حمله شیمیایی صدام استفاده کند یا نه؟ گفت آنان قصد داشتند تا از موشک‌های متعارف هدفمند برای تخریب سدهای روی رودخانه‌های دجله و فرات استفاده کنند تا بغداد در هفت فوت آب غرق شود.^(۴۲)

عوامل تشویق‌کننده مسابقه تسلیحات نامتعارف در خاورمیانه

پیشتر بیان شد که دولت‌ها به دلایل مختلف در پی دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی برآمده‌اند و انگیزه‌های آنها را به شرح زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد: ۱- برای بهبود وضعیت خود و رفع تهدیدهای امنیتی خود و شاید دوستان و هم‌پیمانان. ۲- افزایش امنیت ملی خود به زیان سایر کشورها. ۳- برای رسیدن به اهداف جاه‌طلبانه و برآوردن خواسته‌های گروه‌های سیاسی داخلی. ۴- برای کسب پرستیژ و جاه و جلال.^(۴۳) قوی‌ترین انگیزه برای کسب این توانایی‌ها به ویژه برای اتمی شدن مربوط به احساس نیاز پنداری و یا واقعی برای افزایش قدرت دفاعی و بازدارندگی حمله دشمن است. اگر هدف رهبران خاورمیانه برای ایجاد یا گسترش زرادخانه‌های نامتعارف، مقابله با کشورها و گروه‌های تهدیدکننده امنیت رژیم سیاسی آنها باشد، از راه‌های دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز می‌توان آنها را متقاعد کرد که «پندار از تهدید» آنها اشتباه است و یا این که می‌توانند با برگزیدن سیاست‌های کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر به اهداف امنیت ملی خود نائل آیند.

دلایل عمده تصمیم‌گیری دولت‌های خاورمیانه برای دستیابی به توانایی نظامی نامتعارف می‌تواند دربرگیرنده یک یا چند مورد زیر باشد:

۱- پرستیژ و جایگاه بهتر در منطقه و جهان. بدون توجه به محدودیت‌های نیروی انسانی ماهر و نبود زیرساخت‌های مناسب داخلی برای جذب مؤثر تسلیحات پیشرفته، یا دارا بودن توانایی حفظ و نگهداری آنها، کشورهای ضعیف‌تر

منطقه مانند امارات متحده عربی و کویت همواره با تشویق قدرت‌های غربی به دنبال تهیه سلاح‌های مدرنی مانند جنگنده‌های اف - ۱۶ آمریکایی و سیستم‌های دفاع هوایی بوده‌اند. در شرایطی که رهبران یک کشور برای رسیدن به اهداف جاه‌طلبانه جهت کسب جایگاه بالاتر در منطقه خاورمیانه، متوسل به برنامه‌های تولید تسلیحات نامتعارف می‌شوند؛ فشارهای خارجی برای تغییر مواضع آنها کمتر تاثیر خواهد داشت (۴۴)؛

۲- نیاز به بازدارندگی رقبا و دشمنان احتمالی در منطقه‌ای که بدبینی و دشمنی تاریخی آشکاری بین دولت‌ها وجود داشته است؛

۳- نیاز به افزایش توانایی جنگیدن و کاربرد سلاح‌های نامتعارف به عنوان ابزاری که می‌تواند به شکست رقبایی منجر شود که دارای تسلیحات متعارف پیشرفته‌تر و ارتش (از لحاظ کمی) قدرتمندتری هستند؛

۴- جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس نشان داد که موشک‌های بالستیک و کلاهک‌های نامتعارف امکان حمله به مواضع نظامی و غیرنظامی دشمن را فراهم می‌آورند؛

۵- نیاز به جلوگیری از استفاده سلاح‌های نامتعارف از سوی قدرت‌های بزرگ مداخله‌جو در منطقه، به ویژه آمریکا، در شرایطی که جورج بوش، رییس‌جمهور پیشین این کشور در سخنرانی سال ۲۰۰۲ هشدار داده بود که حمله پیش‌دستانه علیه تهدیدهای ناشی از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در دستورکار پنتاگون قرار دارد. در «استراتژی ملی برای مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی»، بوش تأکید می‌کند: «ما به خطرناکترین رژیم‌های دنیا و تروریست‌ها اجازه نخواهیم داد که با مخرب‌ترین سلاح‌های دنیا ما را تهدید کنند. ما باید بالاترین اولویت را برای حفاظت از ایالات متحده، نیروهایمان و دوستان و هم‌پیمانانمان در برابر تهدید سلاح‌های کشتار جمعی موجود و فزاینده قائل شویم.» (۴۵) نکته مهم این است که در برنامه‌ریزی استراتژیک دولت بوش، کشورهای عراق، ایران، سوریه، لیبی و کره شمالی برای حمله احتمالی شناسایی شده بودند (۴۶) و نومحافظه‌کاران آمریکایی نسبت به افزایش توانایی نظامی ایران به شدت ابراز نگرانی کرده‌اند.

بر اساس برآورد فرماندهی مرکزی (ستکام) آمریکا^۱، ایران دارای پنج هزار مین دریایی قابل استفاده در هواپیما، کشتی و زیردریایی بوده و ۳۰ سیستم دفاع هوایی موشکی جدید را از روسیه دریافت کرده بود. در نتیجه، توانایی ایران برای جلوگیری از عملیات پشتیبانی هوایی نیروی دریایی آمریکا برای کشتی‌های در حال عبور از خلیج فارس افزایش یافته است. از سوی دیگر، آزمایش موشک شهاب ۳ با برد هزار و ۳۰۰ کیلومتری که برای رسیدن به تل‌آویو کافی است، منجر به افزایش نگرانی مقامات اسرائیلی شده است. ایران در زمان «جنگ شهرها» و بمباران موشکی عراق علیه مراکز جمعیتی کشور به اهمیت کسب و ارتقای توانایی تولید و استقرار موشک‌های بالستیک پی برد^(۴۷)؛

۶- وجود مسابقات تسلیحاتی بین کشورهای منطقه مانند اسرائیل، مصر، سوریه، ایران، عراق، عربستان، الجزایر، لیبی، مراکش و غیره؛

۷- دشواری پیش‌بینی دشمنان آینده و اعتماد نداشتن به دوستان امروزی. این شکل نیاز به کسب توانایی نظامی کشورها را افزایش می‌دهد؛

۸- مشکلات امنیتی در مناطق پیرامونی خاورمیانه و لزوم مقابله با پیامدهای مسابقات تسلیحاتی بین کشورهای درگیر اختلاف (مانند کره‌شمالی-کره‌جنوبی، هند-پاکستان). البته سیاست‌های قدرت‌های بزرگ نیز در این میان تأثیرگذار بوده‌اند. گرچه هدف از ایجاد پایگاه راداری آمریکا در ۹۰ کیلومتری جنوب پراگ و ۱۰ پایگاه موشکی در لهستان^(۴۸) برای حفظ منافع این کشور در برابر حملات موشکی ایران و کره شمالی اعلام شده است، اما واقعیت این است که آمریکا هنوز دید بدبینانه‌ای درباره توانایی موشکی روسیه و چین دارد و به بهانه تهدید از سوی ایران به دنبال استقرار سپر ضد موشکی در اروپا است. مصطفی محمد نجار وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در این مورد بیان کرد که دولت بوش «با ترفند مضحک ایران هراسی، تلاش دارد ضمن دامن زدن به رقابت تسلیحاتی، همچنان این منطقه استراتژیک را در ناامنی و بحران نگه دارد تا برای حضور نامشروع خود در نزد افکار عمومی توجیه داشته باشد»^(۴۹)؛

1. United States Central Command Organization (USCENTCOM)

۹- سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های پیشرفته به عنوان ابزار قدرتمندی برای باج‌گیری ارزش پیدا کرده‌اند، حتی اگر در جنگ به کار نروند؛

Archive of SID

۱۰- برخی از دولت‌ها به جای واردات و یا تولید داخلی سلاح‌های نامتعارف پرهزینه، تصمیم به دستیابی به تسلیحات نامتعارف که کم هزینه‌تر تصور می‌شوند، می‌گیرند؛

۱۱- در واکنش به نبود رژیم کنترل تسلیحات مؤثرتر و موفق‌تر، دولت‌ها برای مقابله با تهدیدهای امنیتی واقعی یا پنداری به سوی جنگ‌افزارهای نامتعارف کشیده می‌شوند؛ و

۱۲- کسب توانایی انجام عملیات پنهان یا نامتوازن توسط دولت‌ها، ماموران آنها و یا گروه‌های تروریستی.^(۵۰)

با توجه به این انگیزه‌ها بعید نیست که کشورهای این منطقه مانند ترکیه، عربستان و یا کویت به سوی مسابقه سلاح‌های نامتعارف کشیده شوند.^(۵۱)

عوامل بازدارنده اشاعه سلاح‌های نامتعارف در خاورمیانه

سه راه اساسی برای حفظ امنیت ملی و برقراری صلح در نظر گرفته شده است: ۱- کنترل تسلیحات در زرادخانه‌های کشورها که به مسابقات تسلیحاتی منطقه‌ای و جهانی منجر شده است؛ ۲- امضای قراردادهای کنترل تسلیحات با امید به روزی که خلع سلاح کامل در جهان میسر شود؛ ۳- ترتیبات امنیت بین‌الملل دسته‌جمعی که هنوز به موفقیت کامل نرسیده است.

در اینجا، بر راه دوم یعنی معاهده‌ها و قراردادهای کنترل تسلیحات و خلع سلاح تکیه شده و رابطه آنها با امنیت منطقه‌ای بررسی می‌شود. کارکردهای کنترل تسلیحات بسیار است و مهمترین آنها عبارتند از: ۱- کاهش احتمال بروز جنگ عمدی یا تصادفی؛ ۲- کندتر شدن مسابقات تسلیحات منطقه‌ای و جهانی؛ ۳- افزایش شفافیت بین کشورهای متخاصم و کاهش ترس از نیات رقیب یا رقبای احتمالی؛ ۴- جلوگیری از توسعه و استقرار انواع جدید تسلیحات نامتعارف و جنگ‌افزارهای دیگر؛ ۵- کاهش نابرابری بین کشورهایی که بسیار مسلح شده‌اند و آنان که از تجهیزات جنگی سبک‌تری برخوردارند و در نتیجه از بین بردن یکی از



عوامل مهم بی‌ثباتی در جهان؛ ۶- تشویق کشورها برای توسل به راه‌های صلح‌آمیز جهت حل و فصل اختلاف‌ها و درگیری‌های خود؛ ۷- صرفه‌جویی در منابع کمیابی که برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز است؛ ۸- کاهش میزان خرابی‌ها و آسیب‌های وارد آمده بر اثر درگیری‌های مسلحانه؛ و ۹- کاهش تهدیدهای زیست‌محیطی. (۵۲)

در برخی موارد، محدودیت‌های تسلیحاتی به مناطق جغرافیایی خاصی مربوط می‌شده است. سال ۱۹۰۵، سوئد و نروژ مبادرت به ایجاد منطقه‌ای بی‌طرف در دو سوی مرز مشترک خود کردند. در این منطقه اجازه ساخت استحکامات و پایگاه‌های نظامی داده نشده و واحدهای نظامی نباید در آن مکان مستقر باشند. در ضمن، مواد و تجهیزات نظامی و سلاح‌ها نباید در این منطقه انبار شوند و هرگونه فعالیت جنگی در آنجا ممنوع اعلام شده است. به مرور زمان این قرارداد اهمیت نظامی و سیاسی خود را از دست داده و پس از گذشت ۹۰ سال (یعنی سال ۱۹۹۵) با سپری شدن زمان قانونی اجرائیش، لغو شد. پس از جنگ جهانی اول، شماری از جزایر و مناطق مورد درگیری، غیرنظامی اعلام شدند. در پی جنگ جهانی دوم نیز جزایر پس گرفته شده از ایتالیا توسط یونان در معاهده صلح ۱۹۴۷ غیر نظامی اعلام شدند. در معاهده ۱۹۵۹ قطب جنوبگان، این قاره نیز عاری از هرگونه فعالیت نظامی شد. دو کشور کاستاریکا و ایسلند نیز تصمیم گرفتند نیروی نظامی نداشته باشند، گرچه هیچ معاهده بین‌المللی برای ممانعت از نظامی شدن آنها وجود ندارد.

ایده ایجاد مناطق غیر اتمی یا عاری از سلاح‌های اتمی^۱ برای جلوگیری از پیدایش کشورهای جدید اتمی حامیان زیادی دارد. سال ۱۹۵۸ (ده سال پیش از تصویب معاهده ان.پی.تی)، دولت لهستان که از اتمی شدن آلمان غربی نگران بود و تمایل داشت تا مانع از استقرار سلاح‌های اتمی شوروی در قلمروی خود شود، طرحی را پیشنهاد داد که به طرح راپاکی^۲ (به نام وزیر امور خارجه لهستان در آن دوران) موسوم شد. این طرح برای ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های اتمی در اروپای مرکزی (شامل آلمان شرقی و غربی، لهستان و مجارستان) بود. سایر

1. Nuclear Weapons Free Zone

2. Rapaki Plan

کشورهای اروپایی نیز می‌توانستند به این منطقه بپیوندند. در شرایط سیاسی دهه ۱۹۵۰، این طرح شناسی برای موفقیت نداشت و دو ابرقدرت با آن مخالفت کردند. برخی از عناصر اساسی پیشنهاد شده در طرح راپاکی به عنوان راهنمایی برای ایجاد سایر مناطق غیر اتمی به کار گرفته شد. معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی به دولت‌ها حق ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های اتمی را اعطا کرده است. هم‌اکنون چندین منطقه غیر اتمی در جهان وجود دارند: ۱- آمریکای لاتین. (با معاهده تلاتلولکو^۱، ۱۹۶۷) که همه کشورهای آن منطقه حتی کوبا و پنج کشور بزرگ اتمی، آن را امضا کرده‌اند؛ ۲- پاسیفیک جنوبی (با معاهده راروتانگا^۲، ۱۹۸۵)؛ ۳- آسیای جنوب شرقی (با معاهده بانکوک ۱۹۹۵)؛ ۴- آفریقا (با معاهده پلیندبابا^۳ ۱۹۹۶) که امضا شده اما در حال حاضر لازم‌الاجرا نیست؛ ۵- آسیای مرکزی (با معاهده سمی پالاتینسک، ۲۰۰۶)، ۸ سپتامبر ۲۰۰۶ پنج کشور منطقه‌ای این معاهده ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های اتمی در آسیای مرکزی را امضا کردند. اکنون دو کشور ازبکستان و قرقیزستان آن را تصویب کرده، و لازم‌الاجرا شدنش منوط به تصویب آن از سوی تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان است؛ و ۶- سه منطقه غیر مسکونی یا با سکنه بسیار کم در جهان به طور رسمی غیر اتمی هستند: الف) قطب جنوبگان (با معاهده جنوبگان ۱۹۵۹)؛ ب) فضای ماورا جو، ماه و سایر اجسام آسمانی (با معاهده ماورا جو، ۱۹۶۷ و قرارداد ۱۹۷۹ کره ماه)؛ و ج) بستر دریاها، کف اقیانوس‌ها (با معاهده کف دریا ۱۹۷۱).^(۵۳)

نتیجه‌گیری

به نظر می‌آید که جامعه جهانی در آینده با جدیت بیشتری در صدد رویارویی با مساله تهدید امنیتی ناشی از کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی برآید. از سال ۲۰۰۷، دفتر امور خلع سلاح سازمان ملل^۴، اقدام به ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی رویدادهای

-
1. Tlatelolco
 2. Rarotonga
 3. Pelindaba
 4. UN Office for Disarmament Affairs (ODA)



بیولوژیک^۱ (بر مبنای استراتژی جهانی ضد تروریسم سال ۲۰۰۶ سازمان ملل) مبتنی بر قطعنامه‌ای با امضای ۱۹۲ عضو این نهاد بین‌المللی کرده است.^(۵۴) این دفتر از اعضای سازمان ملل درخواست کرده تا فهرستی از کارشناسان ارتش و آزمایشگاه‌هایشان را که می‌توانند به این سازمان برای بازرسی و رسیدگی به مسأله استفاده احتمالی از سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی کمک کنند، تهیه کرده و در اختیارشان قرار دهند. سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (اینترپول)^۲ نیز در سپتامبر ۲۰۰۶ در برنامه جلوگیری از بیوتروریسم، طرح «جزایی کردن» تروریسم بیولوژیک^۳ را آغاز کرده است.^(۵۵)

این امر که برخی از بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای (مانند اسرائیل، آمریکا، انگلستان، پاکستان، روسیه، فرانسه، چین، هندوستان) برای خود حق تولید و خرید جنگ‌افزارهای خطرناک و وحشتناکی مانند سلاح‌های اتمی را محفوظ دانسته‌اند، پذیرفتنی نیست. با وجود ۱۶ سال از گذشت جنگ سرد، هنوز حدود ۱۲ هزار جنگ‌افزار هسته‌ای آماده پرتاب هستند و بیش از ۹۰ درصد از این سلاح‌ها در زرادخانه‌های آمریکا و روسیه قرار دارد. همان‌طور که در کمیسیون سلاح‌های کشتار جمعی پیشنهاد شده، باید تولید و به‌کارگیری سلاح‌های اتمی همانند تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک ممنوع شود و هر چه سریع‌تر «کنوانسیون منع تولید و کاربرد تسلیحات اتمی» در سازمان ملل مطرح شود؛ همچنین باید با تلاش‌هایی جدی برنامه زمانی مشخصی، برای خلع سلاح همه کشورها تعیین شود.^(۵۶) گرچه نمی‌توان انتظار داشت در آینده نزدیک جهانی عاری از این تسلیحات به وجود آید، اما می‌توان ایده عاری شدن خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی را با فشارهای بین‌المللی بر اسرائیل، جهت امضا و تصویب معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی پی‌گیری کرد.

-
1. Bio- incident Database
 2. International Criminal Police Organization (Interpol)
 3. Biocriminalization Project

کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

Archive of SID

رتبه در منطقه **	رتبه در منطقه ++	رتبه جهانی +	جمعیت (میلیون نفر) ۲۰۰۵	رتبه جهانی *	مساحت (کیلومتر مربع)	کشور/ جهان
-	۸۸۰۰	-	۶۴۴۶۱۳۱.۴۰۰	۱	۵۱۰۰۷۲۰۰۰	جهان
۱	۲۵۲۰۰	۱۸	۲۵۶۳.۲۱۲	۱۲۴	۸۲۸۸۰	امارات
۲	۲۳۲۰۰	۲۰	۲۳۳۵.۶۴۸	۱۶۵	۱۷۸۲۰	کویت
۳	۲۳۲۰۰	۲۱	۸۶۳.۰۵۱	۱۷۱	۱۱۴۳۷	قطر
۴	۲۰۸۰۰	۱۳	۶۲۷۶.۸۸۳	۱۶۱	۲۰۷۷۰	اسرائیل
۵	۱۹۲۰۰	۲۲	۶۸۸.۳۴۵	۲۰۰	۶۶۵	بحرین
۶	۱۳۱۰۰	۱۷	۳۰۰۱.۵۸۳	۸۲	۲۱۲۴۶۰	عمان
۷	۱۲۰۰۰	۸	۲۶۴۱۷.۵۹۹	۲۳	۱۹۶۰۵۸۲	عربستان
۸	۷۷۰۰	۴	۶۸۰۱۷.۸۶۰	۲۶	۱۶۴۸۰۰۰	ایران
۹	۷۴۰۰	۳	۶۹۶۶۰.۵۵۹	۴۵	۷۸۰۵۸۰	ترکیه
۱۰	۷۱۰۰	۱۲	۱۰۰۷۴.۹۵۱	۹۹	۱۶۳۶۱۰	تونس
۱۱	۶۷۰۰	۱۴	۵۷۶۵.۵۶۳	۲۵	۱۷۵۹۵۴۰	لیبی
۱۲	۶۶۰۰	۶	۳۲۵۳۱.۸۵۳	۱۹	۲۳۸۱۷۴۰	الجزایر
۱۳	۵۰۰۰	۱۶	۳۸۲۶.۰۱۸	۱۷۴	۱۰۴۰۰	لبنان
۱۴	۴۵۰۰	۱۵	۵۷۵۹.۷۳۲	۱۲۰	۹۲۳۰۰	اردن
۱۵	۴۲۰۰	۲	۷۷۵۰۵.۷۵۶	۳۸	۱۰۰۱۴۵۰	مصر
۱۶	۴۲۰۰	۵	۳۲۷۲۵.۸۴۷	۶۵	۴۴۶۵۵۰	مراکش
۱۷	۳۵۰۰	۹	۲۶۰۷۴.۹۰۶	۶۶	۴۳۷۰۷۲	عراق
۱۸	۳۴۰۰	۱۱	۱۸۴۴۸.۷۵۲	۹۶	۱۸۵۱۸۰	سوریه
۱۹	۲۲۰۰	۱	۱۶۲۴۱۹.۹۴۶	۴۳	۸۰۳۹۴۰	پاکستان
۲۰	۸۰۰	۱۰	۲۰۷۲۷.۰۶۳	۵۷	۵۲۷۹۷۰	یمن
۲۱	۸۰۰	۷	۲۹۹۲۸.۹۸۷	۴۹	۶۴۷۵۰۰	افغانستان
۲۲	۸۰۰	۱۹	۲۳۸۵.۶۱۵	۱۷۸	۵۸۶۰	t فلسطین

یادداشت‌ها:

- * رتبه جهانی بر مبنای مساحت جغرافیایی در بین ۲۶۹ کشور.
- + رتبه جهانی بر مبنای جمعیت در ژوئیه ۲۰۰۵ بین ۲۳۸ کشور.
- ++ رتبه منطقه‌ای بر مبنای جمعیت سال ۲۰۰۵.
- ** رتبه منطقه‌ای بر مبنای درآمد سرانه سال ۲۰۰۴.
- t: شامل کرانه باختری می‌شود.

منبع:

لطفیان، دسامبر ۲۰۰۵.



کشور واردکننده	رتبه جهانی**	رتبه جهانی*	% سهم #	ارزش واردات سلاح متعارف به میلیون دلار، ۲۰۰۳-۲۰۰۷
امارات متحده عربی	۳	۳	۷٪	۷۴۶۷
اسرائیل	۷	۶	۴	۴۲۳۹
مصر	۵	۷	۳	۳۷۴۳
ترکیه	۹	۹	۳	۲۸۵۳
عربستان	۱۴	۲۱	۱	۱۵۱۷
الجزایر	۲۷	۲۲	۱	۱۴۴۶
ایران	۲۳	۲۷	۱	۱۱۶۸
یمن	۲۰	۳۷	<۱	۷۲۰
عراق	۴۶	۳۹	<۱	۶۹۵
اردن	۳۴	۴۰	<۱	۶۹۵
عمان	۳۷	۴۳	<۱	۵۹۱
مراکش	۵۲	۶۰	-	۲۱۲
لیبی	۶۳	۶۲	-	۱۹۲
کویت	۷۶	۶۳	-	۱۸۶
تونس	۵۷	۶۴	-	۱۸۶
بحرین	۶۲	۶۸	-	۱۴۹
سوریه	۷۲	۷۲	-	۱۱۹
افغانستان	۷۹	۷۸	-	۸۸
قطر	۱۰۷	۱۱۶	-	۱۲
لبنان (حزب‌الله)	۱۱۵	۱۱۵	-	۱۳
لبنان	۱۳۹	۱۲۹	-	۴
فلسطین	۱۴۷	۱۳۵	-	۲
کل	-	-	۱۰۰٪	۱۱۱۵۲۸

یادداشت‌ها:

- # درصد سهم از کل واردات سلاح‌های متعارف در جهان، ۲۰۰۳-۲۰۰۷
- * رتبه جهانی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ در بین ۱۴۸ کشور یا گروه از کشورها (مانند ناتو)، و یا گروه‌های زیرملی (مانند حزب‌الله و تاملیل) است.
- ** رتبه جهانی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۲
- ۱ < نشان‌دهنده درصد بزرگتر از نیم و کمتر از یک است.
- نشان‌دهنده درصد کمتر از نیم است.

منبع:

اقتباس از جداول سالنامه سپیری، ۲۰۰۸، صص ۳۲۴-۳۲۱.



جدول ۳: وضعیت عضویت کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
در معاهده‌ها و قراردادهای مهم کنترل تسلیحات کشتار جمعی

معاهده	کشورهای عضو، سال امضا و سال تصویب قراردادها از سوی آنها	عضو
پروتکل ژنو ۱۹۲۵	اردن (تصویب ۱۹۷۷)، اسرائیل (تصویب ۱۹۶۹)، افغانستان (تصویب ۱۹۸۶)، الجزایر (تصویب ۱۹۹۲)، ایران (تصویب ۱۹۲۹)، بحرین (تصویب ۱۹۸۸)، پاکستان (۱۹۶۰)، ترکیه (۱۹۲۹)، تونس (۱۹۶۷)، سوریه (۱۹۶۸)، عراق (تصویب ۱۹۳۱)، عربستان سعودی (۱۹۷۱)، قطر (۱۹۷۶)، کویت (تصویب ۱۹۷۱)، لبنان (۱۹۷۱)، لیبی (۱۹۷۱)، مراکش (۱۹۷۰)، مصر (امضا ۱۹۲۵ و تصویب ۱۹۲۸)، یمن (۱۹۷۱).	امارات، عمان.
معاهده منع محدود آزمایش‌های اتمی ۱۹۶۳	اردن (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، اسرائیل (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، افغانستان (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، الجزایر (۱۹۶۳)، ایران (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، پاکستان (۱۹۸۸/۱۹۶۳)، ترکیه (۱۹۶۵/۱۹۶۳)، تونس (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، سوریه (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، عراق (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، کویت (۱۹۶۵/۱۹۶۳)، لبنان (۱۹۶۵/۱۹۶۳)، لیبی (۱۹۶۸/۱۹۶۳)، مراکش (۱۹۶۶/۱۹۶۳)، مصر (۱۹۶۴/۱۹۶۳)، یمن (۱۹۷۹/۱۹۶۳).	امارات، بحرین، عربستان، عمان، قطر.
معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی ۱۹۶۸	اردن (۱۹۷۰)، افغانستان (۱۹۷۰)، الجزایر (۱۹۹۵)، امارات متحده عربی (۱۹۹۵)، ایران (۱۹۷۰)، بحرین (۱۹۸۸)، ترکیه (۱۹۸۰)، تونس (۱۹۷۰)، سوریه (۱۹۶۹)، عراق (۱۹۶۹)، عربستان (۱۹۸۸)، عمان (۱۹۹۷)، قطر (۱۹۸۹)، کویت (۱۹۸۹)، لبنان (۱۹۷۰)، لیبی (۱۹۷۵)، مراکش (۱۹۷۰)، مصر (۱۹۸۱)، یمن (۱۹۷۹).	اسرائیل، پاکستان
کوانسیون سلاح‌های بیولوژیک و سمی ۱۹۷۲	اردن (۱۹۷۵/۱۹۷۲)، افغانستان (۱۹۷۵/۱۹۷۲)، الجزایر (۲۰۰۱)، امارات متحده عربی (۱۹۷۲)، ایران (۱۹۷۳/۱۹۷۲)، بحرین (۱۹۸۸)، پاکستان (۱۹۷۳/۱۹۷۲)، ترکیه (۱۹۷۴/۱۹۷۲)، تونس (۱۹۷۳)، سوریه (۱۹۷۲)، عراق (۱۹۹۱/۱۹۷۲)، عربستان (۱۹۷۲)، عمان (۱۹۹۲)، قطر (۱۹۷۵/۱۹۷۲)، کویت (۱۹۷۲)، لبنان (۱۹۷۳/۱۹۷۲)، لیبی (۱۹۸۲)، مراکش (۲۰۰۲/۱۹۷۲)، مصر (۱۹۷۲)، یمن (۱۹۷۲/۱۹۷۲).	اسرائیل.



<p>سوریه، عراق، مصر. *</p>	<p>اردن (۱۹۹۷)، اسرائیل (۱۹۹۳)، افغانستان (۱۹۹۳/۲۰۰۳)، الجزایر (۱۹۹۳/۱۹۹۵)، امارات متحده عربی (۱۹۹۳/۲۰۰۰)، ایران (۱۹۹۳/۱۹۹۷)، بحرین، پاکستان (۱۹۹۳/۱۹۹۷)، ترکیه (۱۹۹۳/۱۹۹۷)، تونس (۱۹۹۷)، عربستان (۱۹۹۳/۱۹۹۶)، عمان (۱۹۹۳/۱۹۹۵)، قطر (۱۹۹۳/۱۹۹۷)، کویت (۱۹۹۳/۱۹۹۷)، لبنان (۲۰۰۸/۲۰۰۸)، لیبی (۲۰۰۴/۲۰۰۴)، مراکش (۱۹۹۳/۱۹۹۵)، یمن (۱۹۹۳/۲۰۰۰).</p>	<p>کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳</p>
<p>پاکستان، تونس، سوریه، عراق، عربستان، لبنان.</p>	<p>اردن (۱۹۹۶/۱۹۹۸)، اسرائیل (۱۹۹۶)، افغانستان (۲۰۰۳/۲۰۰۳)، الجزایر (۱۹۹۶/۲۰۰۳)، امارات متحده عربی (۱۹۹۶/۲۰۰۰)، ایران (۱۹۹۶)، بحرین (۱۹۹۶/۲۰۰۴)، ترکیه (۱۹۹۶/۲۰۰۰)، عمان (۱۹۹۶/۲۰۰۳)، قطر (۱۹۹۶/۱۹۹۷)، کویت (۱۹۹۶/۲۰۰۳)، لیبی (۲۰۰۴/۲۰۰۴)، مراکش (۱۹۹۶/۲۰۰۰)، مصر (۱۹۹۶)، یمن (۱۹۹۶).</p>	<p>معاهده منع کامل آزمایش‌های اتمی ۱۹۹۶**</p>

یادداشت‌ها:

* اسرائیل این معاهده را امضا کرده، اما به تصویب نرسانده است.
** معاهده منع کامل آزمایش‌های اتمی ۱۸۰ روز پس از به تصویب رسیدن آن از سوی ۴۴ کشور که در یکی از ضمائم معاهده معرفی شده‌اند، به اجرا در می‌آید. این ۴۴ کشور دارای نیروگاه‌های تولید انرژی اتمی یا راکتورهای هسته‌ای پژوهشی هستند. در خاورمیانه بزرگ شش کشور الجزایر، مصر، ایران، اسرائیل، پاکستان و ترکیه در این گروه قرار دارند.

منابع:

SIPRI. *SIPRI Yearbook 2008*. Oxford: Oxford University Press, 2008;
OPCW. *OPCW Member States*. 24 December 2008. Available at: <<http://www.opcw.org>>; MIIS. *Treaties on Weapons of Mass Destruction, Membership in the Middle East*. Available at: <<http://cns.miis.edu>>.

پی‌نوشت‌ها

1. Saideh Lotfian. "Nuclear Disarmament and Non-Proliferation," in Jeffrey Boutwell, ed., *Addressing the Nuclear Weapons Threat: The Russell-Eisenstein Manifesto Fifty Years on*, Washington, DC: Pugwash, December 2005, pp. 90-101.
2. Lotfian. op. Cit., p. 91.
3. Stockholm International Peace Research Institute, *SIPRI Yearbook 2008: Armaments, Disarmament and International Security*, Oxford: Oxford University Press, 2008, p. 294.
4. SIPRI, op. cit., pp. 325-326.
5. Ibid, p. 208.
6. Stephen Hubbell. "The Containment Myth U.S. Middle East Policy in Theory and Practice," MERIP, Available at: <http://www.merip.org/mer/mer208/hubbell.htm>.
7. Richard F. Grimmet. *Conventional Arms Transfers to the Third World, 1988-1995*, Washington, DC: CRS, U.S. Library of Congress, 1996, p. 53.
8. Richard Grimmett, "U.S. Arms Sales: Agreements with and Deliveries to Major Clients, 2000-2007," *CRS Report for Congress*, November 26, 2008, RL34768, Available at: <http://opencrs.cdt.org/document/RL34768>; and Richard Grimmett, "Conventional Arms Transfers to Developing Nations, 2000-2007," *CRS Report for Congress*, 23 October 2008, RL34723, p. 5, Available at: http://assets.opencrs.com/rpts/RL34723_20081023.pdf.
9. Grimmet, op. cit., various pages.
10. UN Register of Conventional Arms, *Submissions for U.S. Exports*, Date of Submissions 2001 to 2007, Available at: http://disarmament.un.org/UN_REGISTER.nsf.
11. Statement of Amy Belasco, Specialist in U.S., Defense Policy and Budget, Congressional Research Service, Before the House Budget Committee, *Hearing*



on the Growing Cost of the Iraq War, 24 October 2007, Available at: http://budget.house.gov/hearings/2007/10.24Belasco_testimony.pdf.

12. Amy Belasco, "Cost of Iraq, Afghanistan, and Other Global War on Terror Operations since 9/11," *CRS Report for Congress*, 14 July 2008, Available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/natsec/RL33110.pdf>.

13. M. Shubik, *Terrorism, Technology, and the Socioeconomics of Death*, "Comparative Strategy", V. 16, N. 4, (1997), pp. 399-414; and R. K. Betts, "The New Threat of Mass Destruction," *Foreign Affairs*, V. 77, N. 1, (1998), pp. 26-41.

14. John Hart and Peter Clevestig, "Reducing Security Threats from Chemical and Biological Materials," *SIPRI Yearbook 2008: Armaments, Disarmament and International Security*, Oxford: Oxford University Press, 2008, pp. 429-469.

15. برای اطلاعات بیشتر در مورد میزان، نوع و ارزش سلاح‌های شیمیایی در زرادخانه‌های کشورهای مختلف به آدرس اینترنتی سازمان منع گسترش سلاح‌های شیمیایی مراجعه کنید:

Organization for Prohibition of Chemical Weapons (OPCW), *The Chemical Weapons Ban: Facts and Figures*, Access on 21 December 2008, Available at: <http://www.opcw.org/factsandfigures>; and OPCW, Technical Secretariat, *Status of Participation in the Chemical Weapons Convention as at 20 November 2008*, Dated 5 December 2008, Available at: <http://www.opcw.org/about-opcw/member-states/status-of-participation-in-the-cwc>.

16. Wendy Barnaby, *The Plague Makers: The Secret World of Biological Warfare*, London: Vision, 1999, pp. 51, 56-58.

17. Hans Blix, *Disarming Iraq: The Search for Weapons of Mass Production*, London: Bloomsburg, 2004, p. 29.

18. Meredith Lugo, "U.S. Removes Uranium from Iraqi Nuclear Site," *Arms Control Today*, September 2008, Available at: http://www.armscontrol.org/act/2008_9/Iraquranium.

19. Hiltermann, 2007; as quoted in Sheldon Rampton and John Stauber. *Weapons of Mass Deception*, New York: Penguin, 2003, p. 76.

20. George Tenet, "Iraq and Weapons of Mass Destruction," *Vital Speeches of the Day*, V. LXX, N. 9, (February 2004), pp. 258-264.

21. Joost R. Hiltermann, *A Poisonous Affairs: America, Iraq and the Gassing of Halabja*, Cambridge: Cambridge University Press, 2007 as quoted in Hart, p. 443; and also for a description of Anfal genocide, refer to: "Genocide in Iraq: The Anfal Campaign against the Kurds," *Human Rights Watch*, July 1993,

Available at: <http://www.hrw.org/reports/1993/iraqanfal>.

22. David Szabo, "Disarming Rogues: Deterring First-Use of Weapons of Mass Destruction," *Parameters*, (Winter 2007-08), pp. 71-84; and Terry Terriff, "A Train Collision in the Making? The Proliferation of Weapons of Mass Destruction and the Transatlantic Alliance," *Journal of Transatlantic Studies*, V. 3, N. 1 (2005), pp. 105-122.

۲۳. برای شرحی از برنامه تسلیحات هسته‌ای عراق به گزارش سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، ر ش به:

IAEA, *Factsheet: Iraq's Nuclear Weapons Programme*, Dated 27 December 2002, Available at: <http://www.iaea.org/worldatom/Programmes/ActionTeam/nwp2.html>.

24. Paul Kerr, Security Council Ends UNMOVIC, *Arms Control Today*, V. 37, N. 7, September 2007: 40-41, as quoted by Hart, p. 443.

25. United Nations, *Daily Press Briefing by the Office of the Spokesperson for the Security-General*, Dated 30 August 2007, Available at: <http://www.un.org/News/briefings/docs/2007/db070830.doc.htm> as quoted by Hart, p. 445.

26. John Prados, ed., The Record on Curveball, Declassified Documents and Key Participants Show the Importance of Phony Intelligence in the Origins of the Iraq War, "*National Security Archive Electronic Briefing Book*, No. 234, Washington, DC: NSA, GWU, 5 November 2007, Available at: www.gwu.edu/~nsarchive/NSAEBB/NSAEBB234.

27. Jonathan Cook, *Israel and the Clash of Civilisations: Iraq, Iran and the Plan to Remake the Middle East*, New York: Pluto Press, 2008.

۲۸. به ادعای بی‌اساس اسرائیلی‌ها، ایران دارای توانایی تولید سلاح‌های کشتار جمعی (از جمله شیمیایی، بیولوژیک، رادیولوژیک) بوده؛ و احتمال دارد آنها را در اختیار گروه‌های ضد اسرائیلی حزب‌الله و حماس قرار دهد. از این گذشته، از تابستان ۲۰۰۷ به بعد نیروهای ایرانی با موشک‌های شهاب، مراکز مختلفی از جمله تاسیسات اتمی دیمونا در اسرائیل و مراکز نظامی آمریکا در خلیج فارس و عراق را مورد هدف قرار داده‌اند. به این دلایل پیشنهاد می‌شود که حمله به ایران تنها محدود به مراکز اتمی نبوده، بلکه هدف‌های بیشماری را در بر گیرد، ر ش به:

Dany Shoham, "How will Iran Retaliate to a Strike on its Nuclear Facilities?" *Contemporary Security Policy*, V. 28, N. 3, (December 2007), pp. 542-558.

29. Shai Feldman, *Nuclear Weapons and Arms Control in the Middle East*, Cambridge, MA: MIT Press, 1997, p. 140.

30. Abbas Kadhim, "The Future of Nuclear Weapons in the Middle East," *Nonproliferation Review*, V. 13, N. 3, (November 2006), pp. 581-589, p. 582.

31. Mark Fitzpatrick, "Will Nuclear Energy Plans in the Middle East Become Nuclear Weapons Strategies?" *International Relations*, V. 22, N. 3, (2008), pp. 381-385.
32. Saideh Lotfian, "Implications of Nuclear Power Programs and Nuclear Threats in the Middle East," *Iranian Journal of International Affairs*, V. XX, N. 3, (Fall 2008, Forthcoming).
33. Sami G. Hajjar, "Regional Perspectives on the Causes of Proliferation of Weapons of Mass Destruction in the Middle East," *Comparative Strategy*, V. 19, (2000), pp. 35-56.
34. Gawdat Bahgat, "The Proliferation of Weapons of Mass Destruction: Egypt," *Arab Studies Quarterly*, V. 29, N. 2, (Spring 2007), pp. 1-15.

۳۵. برای شرحی از برنامه و سیاست‌های اتمی مصر، ر ش به:

- Barbara M. Gregory, "Egypt's Nuclear Program: Assessing Supplier-Based and Other Developmental Constraints," *Nonproliferation Review*, V. 3, N. 1, (Fall 1995), pp. 20-27; and Emily B. Landau, "Egypt's Nuclear Dilemma," *Strategic Assessment*, V. 5, N. 3, (November 2002), Available at: <http://www.tau.ac.il/jcss/sa/v5n3p5Lan.html>.
36. Doung-Joon Jo and Erik Gartzke, "Determinants of Nuclear Weapons Proliferation," *Journal of Conflict Resolution*, V. 51, N. 1, (February 2007), pp. 167-194, p. 170.
37. World public opinion, "Publics around the World Favor International Agreement to Eliminate all Nuclear Weapons," *Program on International Policy Attitude (PIPA)*, the University of Maryland, 13 December 2008.
38. Jo, op. cit., p. 171; and Maria Babbage, "White Elephants: Why South Africa Gave up the Bomb and the Implications for Nuclear Nonproliferation Policy," *Journal of Public and International Affairs*, 15, (2004), pp. 1-20.
39. Jo, op. cit., pp. 186-187.
40. Thomas Schelling and Morton Halperin, *Strategy and Arms Control*, New York: Brassey's, 1985, p. 2.
41. John A. Nagl, "Defending against New Dangers: Arms Control of Weapons of Mass Destruction in a Globalized World," *World Affairs*, V. 162, N. 4, (Spring 2000), pp. 158-173, p. 169.
42. Nagl, op. cit., p. 173.
43. Scott D. Sagan, "Why do States Build Nuclear Weapons? Three Models in Search of a Bomb," *International Security*, 21, 3, (1996), pp. 54-86; Colin S. Gray, *The Second Nuclear Age*, Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers, 1999.

44. Malcolm R. Davis and Colin S. Gray, "Weapons of Mass Destruction," in John Baylis, James Wirtz, Eliot Cohen and Colin S. Gray, eds., *Strategy in the Contemporary World: An Introduction to Strategic Studies*, Oxford: Oxford University Press, 2003, pp. 254-256.

45. George W. Bush, *National Strategy to Combat Weapons of Mass Destruction*, The White House, December 2002, declassified, p. 1, Available at: <http://www.whitehouse.gov>.

46. Philipp C. Bleek, Nuclear Posture Review Leaks; Outlines Targets, Contingencies, *Arms Control Today*, April 2002, Available at: http://www.armscontrol.org/act/2002_04/nprapril02.asp.

47. Shahram Chubin, *Iran's National Security Policy: Capabilities, Intentions and Impact*, Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace, 1994, p. 62.

۴۸. ایستگاه‌های رادار نظامی از این نوع در قلمروی شوروی هم دیده می‌شد. ایستگاه گابالا (قبله) در ۳۰۰ کیلومتری غرب باکو در زمینی به مساحت ۲۱۰ هکتار واقع شده و به دلایل فنی و جغرافیایی یکی از مهم‌ترین مراکز در سیستم دفاع هوایی شوروی به‌شمار می‌آمد. از زمان احداث آن در ۱۹۸۴ تاکنون، این رادار روسی برای عملیات مراقبتی و دفاعی در برابر ایران، ترکیه، چین، عراق، هند، پاکستان، استرالیا و نیز کشورهای آفریقایی و جزایر واقع شده در اقیانوس‌های اطلس و هند مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این مرکز برای دفاع از قلمروی روسیه در برابر موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای پرتاب شده از نیمکره جنوبی طراحی شده است. موشکی که از یک زیردریایی در اقیانوس هند پرتاب شود در همان لحظه پرتاب بر صفحه مانیتور مرکز فرماندهی ایستگاه گابالا ظاهر شده، و به کمک تجهیزات دیگر داده‌های دقیق در مورد سرعت، اندازه کلاهک‌ها، محل پرتاب، هدف موشک و غیره تهیه می‌شود. این داده‌ها به مقرر فرماندهی وزارت دفاع روسیه و شخص رئیس‌جمهور در کرملین فرستاده می‌شود. حدود ۲۰۰۰ نظامی روسی و شماری از نظامیان آذربایجانی در این ایستگاه که با هزینه دولت روسیه اداره می‌شود، مشغول به کار هستند. بسیاری از مردم محلی از وجود این مرکز نظامی روسیه در منطقه خود ناخشنودند، ر ش

به:

N. Majidova, "Ecological Genocide: Russian Radar Causes Ecological Problems," *Baku Zerkalo*, 6 June 1998, p. 14, Available at: <http://www.fas.org/news/russia/1998/fbten06111998001258.htm>.

۴۹. «وزیر دفاع: آمریکا با ترفند «ایران هراسی» می‌خواهد منطقه را ناامن نگه دارد»، خبرگزاری فارس، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۶.

50. Anthony H. Cordesman, *The Evolving Threat from Weapons of Mass Destruction in the Middle East*, Available at: <http://usinfo.state.gov/journals/itps/0702/ijpe/cordesman.htm>; and *Weapons of Mass Destruction in the Middle*

۵۱. سعیده لطفیان، «برآورد تهدید سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه» در مقاله‌ها و مطالب، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۲.

52. Jozef Goldblat, *Arms Control: the New Guide to Negotiations and Agreements*, London: Sage publications, 2002, p. 11.

۵۳. سعیده لطفیان، «خلع سلاح و صلح»، مقاله زیر چاپ، ص، ۱۵.

54. United Nations, UN Global Counter Terrorism Strategy, in *UN Action to Counter Terrorism Webpage*, Access on 21 December 2008, Available at: <http://www.un.org/terrorism>.

55. Interpol, "Bioterrorism, Biocriminalization," *Public Information Sheet*, Access on 21 December 2008, Available at: <http://www.interpol.int/public/Bioterrorism/bioC/default.asp>.

56. The Weapons of Mass Destruction Commission (WMDC), *Weapons of Terror, Freeing the World of Nuclear, Biological and Chemical Arms*, Stockholm, Sweden: WMDC, 1 June 2006.

